

چهره پردازی و صحنه آرایی از دیدگاه هنر گرافیک در شاهنامه
(هفت خوان رستم)

فهرست مطالب

| | |
|-----|---|
| 1 | عنوان |
| 3 | چکیده |
| 4 | پیشگفتار |
| 5 | مقدمه |
| 7 | فصل اول : رستم کیست ؟ |
| 8 | (دوران زندگی خانواده رستم) |
| 20 | فصل دوم : رستم چگونه مردی است ؟ (صورت و سیرت رستم هنیت و سلاح و اسب رستم) |
| | فصل سوم: « هفت خوان » |
| | (جنگ های رستم موجودات اساطیری در هفت خوان) |
| | فصل چهارم : بررسی چهره های مختلف هفت خوان از دیدگاه چهره پردازی |
| 54 | فصل پنجم : شناخت مکالمه و کلام در نمایش نیروهایی که در روند نمایش دخیل هستند |
| 60 | فصل ششم : بررسی فضا و صفحه های هفت خوان خوان اول خوان دوم خوان سوم خوان چهارم خوان پنجم خوان ششم خوان هفتم |
| 97 | فصل هفتم : داستان مرگ جهان پهلوان رستم |
| 108 | فصل هشتم : پیشنهاد و نتیجه گیری |
| 109 | خلاصه کار عملی |
| 110 | فهرست منابع |

چکیده :

اولین مسئله در این رساله ، به بررسی شخصیت رستم و جایگاه او در تفکر اساطیری ایرانی و بویژه نقش او در «شاهنامه» اختصاص دارد . در ضمن ، پیشینه خاندان سام و نریمان و رستم دستان (چنانچه حکیم فردوسی بر ما می نماید) مطرح می گردد . از سوی دیگر ، از دیدگاه مورفولوژی (ریخت شناسی و سیما شناسی و ..) و در آلات و ادوات جنگی این پهلوان رستم و تنها یاورش رخس بحث به میان می آید . نکته دیگر صفات نیکوی رستم است که به گونه ای خاص در وجود او جمع شده اند . همچون : زورمندی ، هنرمندی ، اعتقاد (توکل) ، مدبری ، علاقه به رزم و بزم ، زبان آوری ، وفاداری ، جوانمردی و پهلوانی عیان می گردد .

نکته دیگر اینکه در هفت خوان ، نماد تعالی رستم است ، و رستم مظهر انسان کامل ایرانی است که با موجودات اساطیری همچون اژدها و دیوان ، برخوردها و چالش دارد . قسمت دوم این نوشتار به بررسی هفت خوان ، وجه نمایش آن از زاویه دید انسان امروزی بررسی شخصیتها و چهره ها در ادبیات ... - (چنانکه متعارف است) . پرداخته است . تصاویری که به نوعی یک ؟ « تیپ » را به مامعرفی می کنند . همچون جادوگر ، کودن ، مست و

در پایان نگارنده به موضوع اصلی (با پیش زمینه مطرح شده) پرداخته است . فضا سازی فردوسی در «خوان ها» نحوه نمایش صفحه ها و توصیف از آنها و بررسی شعرا و از نگاه تصویری و گرافیکی ، چنانکه طرح موضوع از این نکته شروع می شود . نتیجه گیری : شاهنامه بطوریکه تاریخ نقاشی ایرانی نشان داده - تصویری ترین و خوش پرداخت ترین ، روایت ادبی است که در نحوه بیان فضا ، صفحه ها ، حالات چهره

های انسانی و حتی حیوانی ، رنگ ها و توصیف موجودات اساطیری جایگاه قابل توجه و مثال زدنی دارد .

پیشگفتار

شاهنامه همیشه دغدغه ذهنی نگارنده بوده است . هم روایات فردوسی و هم پرداختهای تصویری نقاشان ایرانی طی این هزارسال (تقریباً اکثر نقاشان نامی ایران زمین) یکی از برگهای زرین زندگیشان تصویر سازی شاهنامه فردوسی بوده است . و این ها عواملی بود تا مرا سوق دهد تا در این جهت به پژوهش بپردازم^۲ ، به تمامی موارد فوق اگر پروژه عملی نگارنده یعنی تصویر سازی هفت خوان رستم – هم افزوده شود ، شاید مهمترین دلیل تعلق خاطر من به این تحقیق باشد .

برای پژوهش در این مورد تقریباً هر آنچه از آثار نقاشان ایرانی ، برای شاهنامه تصویر سازی شده بود ، مطالعه کردم ، گفتن اینکه همه این تصاویر را مطالعه کرده ام شاید به واقعیت نزدیک نباشد . اما تقریباً هر آنچه به دستم رسید با دقت مطالعه و با شعر مورد نظر (خوانهای هفت خوان) مطابقت دادم . از دیگر منابع مورد استفاده ام سنگ غارهای شیراز (زندان کریم خان زند) ، کاشی قهوه خانه های قدیمی ، بررسی کاشی در ورزشگاه شهید شیرودی منتقش است و این کاشی ها از سردر دروازه ای در میدان ارگ آورده شده است ، بسیار بهره بردم .

بهره بردم . اما در بسیاری از موارد نیر با مشکلات متعددی برخورد کردم . از جمله عدم موافقت بعضی از مراکز و موزه ها جهت بهره یابی از آثار موجود در این موزه ها.

همان مأخذ ص 2

همان مأخذ ص 3

لازم به تذکر است که جهت آوری این مجموعه از متن شاهنامه به تصحیح ژول مول بهره گرفتیم و با بررسی و مطالعه شاهنامه (بخصوص هفت خوان) در مواردی - که متأسفانه منبع تحقیقی مناسبی نیافتیم، بر اساس استنباط شخصی پیش بردم. اما آنچه مسلم است در این رساله تدوین یافته کتاب شاهنامه و پیش از هرکس استاد بزرگواری دکتر جابرعنصری راهنمای من در این پژوهش بودند. اگر کوتاهی و قصوری بوده از جانب نگارنده است و اگر نکته مثبتی وجود داشته است مرهون لطف استاد بزرگواری دکتر جابرعنصری است.»

مقدمه

شاهنامه کتاب تاریخی ما ایرانیان است، شاید در هیچ دوره تاریخی ایران به کتابی، بیش از شاهنامه به لحاظ مصور سازی پرداخته نشده باشد و تقریباً بیش از هر کتاب دیگری مورد توجه پادشاهان به جز سلطان محمود غزنوی که قدر حکیم را ندانست. و همچنین مغرضانی که با فرهنگ ایران میانه خوبی ندارد نقاشان به این دلیل که کتاب فردوسی بیش از هر کتاب دیگری تصویری است. به این کتاب عنایت خاصی داشتند. و این مهم هم در بیان فردوسی و هم روایات اساطیری آن نهفته است. از این رو شاهنامه هم مبدأ تصویر سازی ایرانی است و هم منبع پژوهش. اما هیچگاه نه جایگاه تصویری (ونه تصویر سازی) آن اعتنا نشده است. از این رونگارنده صمم گردید که بامختصر معلومات خود پژوهشی هر چند محدود در این مورد انجام دهد. اگر چه این پژوهش محدود به هفت خوان رستم است و منابع تصویر سازی این فصل شاهنامه زیاد

همان مأخذ ص 4

همان مأخذ ص 4

، اما در رشته های دیگر هنری تقریباً به آن پرداخته نشده است . منظوم از رشته های دیگر هنری ، سینما و نمایش است چرا که علیرغم نگاه اساطیری موجود در این فصل به نوعی می توان نگاه عارفانه فردوسی را هم به آن افزود ، آن نگاه هم شاید در تحول رستم پس از گذراندن هر مرحله از هفت خوان است و این نکته می توانست و می تواند - منبعی برای روایان داستانهای شاهنامه باشد . شاهنامه علی رغم نگاه اسطوره ای خود کاملاً ملموس است و تنها نکته آن بیان تصویری فردوسی است . خواننده شعر فردوسی با شخصیت های آن کاملاً احساس قرابت می کند ، حالات شخصتها ، تغییر فرم چهره ها (آنچه که میان نمایشنامه نویسان مرسوم است یعنی میمیک صورت) فضای بزم یا رزم ، معاشقه یا مجادله و حتی چهره رخس در شعر فردوسی برای خواننده کاملاً تصویر شده است . از این رو مهمترین منبع برای نگارنده همان کتاب وزین فردوسی بوده است .

به همین دلیل در بعضی موارد که منبع پژوهشی معتبری نیافتم براساس استنباط شخصی و با راهنمایی هایی بی دریغ استاد عناصری به تحلیل فصل های هفت گانه هفت خوان رستم پرداختم . رستم نماد انسان ایرانی است . پهلوانی است که در آزمون های مختلف دچار تحول روحی نیز می شود او درخوان اول « خواب » است و به لطف پروردگار و همت رخس به سلامت جان به در می برد . او چون هر انسان دیگر دچار فراز و نشیبهایی می شود گاه حتی نافرمانی می کند . گاه نسبت به وعده هایش فراموشکار می شود و صد البته چون اسطوره است و با موجودات اساطیری به مبارزه بر می خیزد . کمتر نکات منفی شخصیت اش بر خواننده مشخص می گردد و این آنچه می خیزد است که خواننده می خواهد و فردوسی به آن جداً واقف بوده است . اسطوره های ایرانی

در بسیاری از موارد برخاسته اسطوره های ایرانی در بسیاری موارد برخاسته از شاهنامه فردوسی است . و در هیچ کتاب دیگری اندیشه انسان چنین به مرزهای فرا واقعی و عالم خیال ایرانی وارد نشده است . همه آنچه پهلوان ایرانی را می آزماید و حتی دشمن اوست در بالاترین و خطرناکترین شکل ممکن در این کتاب وزین جمع شده است. توران و تورانیان همواره نمادی از دشمن و متجاوز برای این مرز و بوم بوده اند و فردوسی در واقع آنچه را که در ناخود آگاه ذهنی خواننده ایرانی وجود داشته، عیان کرده است . از این رونشانه فرهنگ ایرانی است هم برای جماعت ایرانی و هم غیر ایرانی و شاید علت آنکه پادشاهان ایرانی سالها برای مصور سازی یک نسخه از شاهنامه منتظر می ماندند و پس از مدتی آنرا پیشکش ممالک دیگر می کرده اند ، این بوده که آنرا عامل و نماد قدرت و فرهنگ ایرانی می دانسته اند که برای دیگران هم ملموس بوده است .



ProjectCenter

www.ProjectCenter.ir

📷 | @projehcenter

📍 | @projehcenter_ir